میرزا حسین‌خان سپهسالار و درباریان ناصرالدین شاه

بررسی انتقادی نقش سن در برکشیده‌شدن سیاست‌مداران ایرانی

کسب‌وکار موروثی

شیرین کریمی

«در رژیم قدیم اعطای لقب و ارجاع خدمت مقید به سن و سال نبود و بعد از فوت پدرم که بیش از ۱۲ سال نداشتم ناصرالدین‌شاه به من لقب داد[۱]، چه بسیار از مشاغل که شاه در حیات رجال و یا در مماتشان برای قدردانی به اولاد آنها محوّل می‌کرد و چنانچه به‌واسطه صغَر سن نمی‌توانستند متصدی کار بشوند پدر و در نبودن او شخص دیگری کفالت می‌کرد تا آنها بتوانند خود انجام وظیفه کنند».[۲]

مباحثی که امروز بر سر جوان‌گرایی و پیرگرایی سیاست‌مداران ایران مطرح است، این پرسش را طرح می‌کند که در تاریخ ایران معاصر سیاست‌مداران چگونه با مقوله جوانی و پیری برخورد کرده‌اند؟ و آیا مقوله سن همچون مقوله جنس به سنت‌هایی از قبیل پدرسالاری تقلیل داده شده است؟ دیدگاه جامعه‌شناسانه «سن» را یک مقوله اجتماعی در نظر می‌گیرد نه یک مقوله زیستی و بیولوژیکی. در دنیای امروز دوره جوانی مدت‌زمانش طولانی‌تر شده است و شروع و پایان آن برای افراد مختلف زمان مشخصی ندارد. جوان در علم امروز یک پرسش است؛ جوان هم پرسش فلسفه است، هم پرسش جامعه‌شناسی است و هم پرسش سیاست.

محمد مصدق به خاطر داشتن سن کمتر از حدی که قانون تعیین کرده بود، از نمایندگی مجلس بازمی‌ماند اما تیمورتاشِ ۲۶ساله در همین جدال پیروز و وارد مجلس می‌شود، تیمورتاش پس از خاتمه جلسه‌ای که به دلیل سنش با درخواست نمایندگی‌اش مخالفت شد، فوراً از پدر خود خواست یک استشهاد محلی تهیه کند و شهود در آن بنویسند که به دلیل سنش از نمایندگی مجلس بازمی‌ماند اما تیمورتاش ۲۶ساله در همین جدال پیروز و وارد مجلس می‌شود، تیمورتاش پس از خاتمه جلسه‌ای که به دلیل سنش با درخواست نمایندگی‌اش مخالفت شد، فوراً از پدر خود خواست یک استشهاد محلی تهیه کند و شهود در آن بنویسند که به دلیل سن معززالملک ۳۰ سال تمام است

در آغاز مشروطه هدف انقلابیون این بود که چهره‌های جدیدی را جایگزین رجال قدیمی کنند بنابراین رجال باسابقه را از کار برکنار کردند ولی این کار ادامه نیافت و خیلی زود، حتی به رجال منفور یا آنهایی که مورد سوءظن بودند مسئولیت‌های حساس و مشاغل مهمی واگذار شد و دلیل آن احتیاج مبرمی بود که مشروطه‌خواهان به تجربه، کاردانی، ثروت و نفوذ رجال قدیمی داشتند، درحالی‌که اعتماد چندانی به یکدیگر نداشتند و گاه «رجال قدیمی با جوانان و افرادی که از طبقه اعیان نبودند همکاری نمی‌کردند».[۳]

در پنج دوره اول مجالس قانون‌گذاری پس از انقلاب مشروطه افراد جوان‌تری مقام نمایندگی را احراز کردند و در دوره‌های بعدی بسیاری از همین افراد جوان چند بار در مقام خود ابقا می‌شدند تا به سن بالاتری می‌رسیدند. در دوره سوم قانون‌گذاری ۵۶ درصد از نمایندگان در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سالگی بودند و در همان دوره فقط سه درصد از نمایندگان بالای ۶۰ سال داشتند اما به‌تدریج آمار سن نمایندگان معکوس شد تا اینکه در مجلس بیستم فقط ۱۹ درصد از نمایندگان در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سالگی بودند و ۱۳ درصد از آنان بیش از ۶۰ سال داشتند.[۴]

طبقات ممتاز از طریق نزدیکی با دربار، روابط خانوادگی، ازدواج، ارتباط و دوستی‌های خصوصی و دسیسه و زدوبند، به قدرت می‌رسیدند و در نتیجه همان مسائل دوره استبداد، یعنی تزلزل، بحران، هرج‌ومرج و عدم اعتماد به دیگری در فضای سیاسی کشور حاکم بود.[۵] اساس این ساختار بر روابط پدرسالاری و خصوصی برقرار بود؛ زدوبندهای دوستانه، دشمنی‌های خانوادگی یا شخصی، رقابت و کارشکنی، روال عادی کار محسوب می‌شد که رجال به وسیله آن بر سر قدرت می‌ماندند یا سقوط می‌کردند. قرابت با شاه یا شاهزادگان یا صدراعظم و وزرا نیز نقش مهمی در زندگانی طبقه حاکم داشت. این رابطه‌ها اغلب مستلزم رقابت، ستیزه‌جویی و توطئه‌چینی بود.[۶]

مطالعاتی که تاکنون با پرسش‌هایی درباره متغیر سن در میدان سیاسی انجام شده‌اند، نشان داده‌اند که در تاریخ معاصر ایران به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه تلاش برای ورود جوان‌ترها به میدان سیاسی در ایران آغاز شد و حضور جوان‌ترها با روزنامه‌نگاری و سرودن اشعار حماسی و انقلابی و شرکت در تظاهرات و تحصن‌ها و احزاب پررنگ شد و پس از انقلاب مشروطه، در احزاب و به‌ویژه در مجالس قانون‌گذاری، جوان‌ترها به شکل رسمی وارد میدان سیاسی شدند و مسئولیت‌های سیاسی را برعهده گرفتند.

در روزهای اول مشروطه محمد مصدق در ۲۴ سالگی تلاش می‌کند به نمایندگی یکی از طبقات وارد مجلس شود اما اعتبارنامه او مورد اعتراض قرار می‌گیرد و میرزا جوادخان مؤتمن‌الممالک نماینده کرمان که تاریخ وفات وکیل‌الملک والی کرمان و شوهر اول مادر مصدق را می‌دانست، استدلال کرد که اگر مادر مصدق بلافاصله پس از چهار ماه و ۱۰ روز عدّه قانونی با پدرش ازدواج کرده باشد و محمد مصدق نه ماه بعد از آن متولد شده باشد، باز ۳۰ سال ندارد و محمد مصدق به دلیل سن کمتر از ۳۰ سال وارد مجلس نمی‌شود، اما موقع انتخابات دوره شانزدهم تقنینیه طبق آن شناسنامه سن مصدق از ۷۰ تجاوز می‌کرد، مصدق عکس سنگ قبر مرحوم وکیل‌الملک کرمانی که تاریخ وفاتش با تمام حروف روی آن منقور است را به وزارت کشور می‌فرستد و با همان دلیل که مؤتمن‌الممالک ثابت کرده بود که ۳۰ سال ندارد، ثابت می‌کند که سالش از ۷۰ کمتر است و اعتبارنامه مصدق صادر می‌شود[۷].

رجال جوان، ساختار کهنه

با اینکه محمد مصدق در جوانی به خاطر داشتن سن کمتر از حدی که قانون تعیین کرده بود، از نمایندگی مجلس بازمی‌ماند اما تیمورتاشِ ۲۶ساله در همین جدال پیروز و وارد مجلس می‌شود، تیمورتاش پس از خاتمه جلسه‌ای که به دلیل سنش با درخواست نمایندگی‌اش مخالفت شد، فوراً پیک تندرویی را نزد پدر خود فرستاد و از وی خواست یک استشهاد محلی تهیه کند و شهود در آن بنویسند که سن معززالملک ۳۰ سال تمام است. پدرش در حوزه حکومت خود سلطه کامل داشت و این امر را با عده‌ای از بزرگان قوم در میان گذاشت و همگی آمادگی خود را برای این شهادت غیرواقع اعلام کردند؛ کمیسیون نیز استشهاد را پذیرفت؛ زیرا امضاکنندگان مردان معتبری بودند و در صحت نوشته آنها تردید روا نبود و اعتبارنامه تیمورتاشِ جوان به تصویب رسید[۸].

کرومیت روزولت هم درباره مصدق می‌نویسد: «نخست‌وزیر برحسب اینکه بخواهد خود را پیر یا فرتوت معرفی کند تاریخ تولد خود را گاهی ۱۲۵۰ و گاهی ۱۲۶۰ اعلام می‌کند».[۹]

این جدل‌ها نشان می‌دهد که تا چه حد مرز سن و سال در دنیای سیاست دلبخواهی و قابل دست‌کاری بوده است. درواقع سنی که در آیین‌نامه‌ها، نظام‌نامه‌ها و قوانین اساسی برای ورود به میدان سیاسی و داشتن حق مشارکت سیاسی در سطوح مختلف تعیین می‌شود، یک نوع هدف استراتژیک برای «در شمارآوردن» یا «در شمارآمدن»، «فهرست‌کردن» و «ملحق‌شدن» است و حالت خاصی از مبارزه اجتماعی، یعنی حالت معینی از توزیع امتیازها و اجبارهاست. این تغییر (۳۰ساله‌بودن) که به لحاظ منطقی کاملا درست به نظر می‌رسد، به لحاظ جامعه‌شناختی بی‌معناست. در اینجا محدوده‌ها، مرزهایی هستند که فرد با تمام قوا به آنها حمله یا از آنها دفاع می‌کند؛ نظام‌های طبقه‌بندی که این مرزها را تثبیت می‌کنند بیش از آنکه ابزارهای شناخت باشند ابزارهای قدرت هستند که به کارکردهای اجتماعی متصل‌اند و آشکار یا نهان در پی برآوردن منافع یک گروه هستند. سن در اینجا موضوع دست‌کاری است، قوانین ازسوی گروه مسلط در میدان سیاسی تصویب می‌شود؛ گروه مسلطی که این نظام‌نامه‌ها را می‌نویسد و بسته به منافع سیاسی آنها را تغییر می‌دهد، گروه مسلطی که استشهاد غیرواقع امضا می‌کند تا تیمورتاشِ ۲۶ساله را با هدف «الحاق‌کردن» او به قدرت، ۳۰ساله جلوه بدهند؛ گروه مسلط در میدان سیاسی تعیین می‌کند چه کسی چندساله است و چه کسی حق ورود به میدان را دارد.

موش‌هایی که شیر شدند

پس از ورود به میدان سیاسی، مبارزه درون میدان با دیگر بازیگران برای حفظ و ارتقای پایگاه آغاز می‌شود. وثوق‌الدوله در پاسخ به کسانی که از بعضی کاندیداهای ضعیف وکالت برای نمایندگی در مجلس دفاع کردند و استدلالشان ضعیف‌کردن مخالفانِ درون مجلس بود، گفت: «این شیرهای بالای سر درِ مجلس شورای ملّی خاصیتی دارند که اگر یک موش از زیر آن بگذرد و داخل صحنه مجلس و سالن رأی شود، فردا تبدیل خواهد شد به یکی از همان شیرهایی که بالای «عدلِ مظفر» ایستاده‌اند و از آن دفاع می‌کنند.»[۱۰] مسئله اصلی قدرتی است که به‌واسطه داشتن مقام نمایندگی مجلس فارغ از جوانی یا کهولت به فرد منتقل می‌شود. در متن استعفای رضاشاه ۶۴ ساله و تفویض سلطنت به پسر ۲۲ ساله‌اش در شهریور ۱۳۲۰، رضاشاه نوشت: «من ناتوان شده‌ام و حس می‌کنم وقت آن رسیده است که یک قوه و بنیه جوان‌تری به کارهای کشور بپردازد». گفته شده این متن به وسیله محمدعلی فروغی نوشته شده است و اسناد و وقایع تاریخی نشان می‌دهند که این جابه‌جایی قدرت دلایل سیاسی دارد و به‌هیچ‌وجه مسئله مملکت‌داری پیری پدر و جوانی پسر نیست. افرادی که در تاریخ معاصر ایران در میدان سیاسی نقش ایفا کرده‌اند به‌واسطه «صلاحیت‌های سیاسی» که از طریق طبقه اجتماعی و شرایط خانوادگی کسب کرده‌اند، موفق شدند به میدان سیاسی وارد شوند؛ صلاحیت‌هایی مانند نوشتن، نقدکردن، سخنرانی‌کردن و خود را محق‌دانستن و دقیقا خود را صاحب حقِ سخن‌گفتن دانستن!.

وثوق‌الدوله در پاسخ به کسانی که از بعضی کاندیداهای ضعیف وکالت برای نمایندگی در مجلس دفاع کردند و استدلالشان ضعیف‌کردن مخالفانِ درون مجلس بود، گفت: «این شیرهای بالای سر درِ مجلس شورای ملّی خاصیتی دارند که اگر یک موش از زیر آن بگذرد و داخل صحنه مجلس و سالن رأی شود، فردا تبدیل خواهد شد به یکی از همان شیرهایی که بالای «عدلِ مظفر» ایستاده‌اند و از آن دفاع می‌کنند.

قلمی که به اندازه یک ارتش بود

حسین فاطمی متعلق به یکی از خانواده‌های سرشناس و بانفوذ نایین بود و این راه را برای ورود به میدان سیاست برای فاطمی هموار می‌کرد و علاوه بر این به نقل از دکتر مصدق: «قلم دکتر فاطمی به اندازه یک ارتش به ما یاری و کمک می‌دهد.[۱۱]» محمدتقی بهار نیز می‌نویسد: «از آغاز مشروطیت به سبب انس و آشنایی‌ای که پدرم با فکرهای تازه پیدا کرده بود به مشروطه دل‌بستگی پیدا کردم.»[۱۲] و سید ضیاءالدین ۳۰ ساله که بر زبانِ سیاسی فضای پس از مشروطه مسلط است، با استفاده از تندنویسی و انتقاد از شرایطِ پیش از انقلاب و پس از آن، با رجال قدیمی مبارزه می‌کند[۱۳] و در برهه‌ای از تاریخ که رجال قدیمی آمادگی پذیرش مسئولیت نخست‌وزیری را در خود نمی‌بینند او خود را شایسته داشتن عقیده، مقام و حقِ سخن‌گفتن در میدان سیاسی می‌داند. پس از شهریور ۲۰ و اشغال ایران از سوی متفقین، پادشاه دست‌به‌دامان محمدعلی فروغی می‌شود و حبیب یغمایی می‌گوید یک روز خدمت فروغی بودم و گفتم: «حضرت اجل، مردم به شما خوش‌بین نیستند و از مماشات با متفقین بد می‌گویند، خوب است برای حفظ نام نیک خود و آرامش خیال در سر پیری، این مقام را ترک کنید. فروغی پاسخ می‌دهد: فرزند، تو اشتباه می‌کنی. اتفاقا همین امروز روز ریاست وزرای من است. مملکت ۶۰ سال به من نان و آب داده که در چنین روزی به کار آیم. اگر من به‌عنوان حفظ ظاهر و عوام‌فریبی و پیری شانه خالی کنم، معلوم نیست دیگری چگونه قراردادی با متفقین خواهد بست».[۱۴]

با توجه به اسناد تاریخی، می‌توان این فرض را تأیید کرد که بیش از آنکه جوانی و پیری برای سیاست‌مداران «مسئله» باشد، «دستاویز» است؛ دستاویزی است برای کنترل نیروهای سیاسی درونِ میدان و حمله و دفاع از جایگاه‌های افراد در میدان سیاسی. درواقع عوامل دیگری تعیین می‌کند که چه کسانی به جایگاه‌های سیاسی دست یابند و چه کسانی حذف شوند. جوان‌بودن و پیربودن در میدان سیاسی محلی از اعراب ندارد. داده‌های تاریخی و مطالعه بازی‌ها و استراتژی‌های درون میدانِ سیاسی ثابت می‌کند در مسئله سن در سیاست با موانع ساختاری مواجه هستیم و اولین مانع عدم‌تشخیص خودِ مسئله است؛ برای افرادی که باید سن مسئله باشد، سن دستاویز مذاکراتِ درون میدان است و برای افراد خارج از میدان سیاسی کاربرد زمانی و مکانی و گاه تفریحی را -به سخره‌گرفتن سیاست‌مداران پیر- دارد و چندان جدی گرفته نمی‌شود.

جوان‌گرایی موروثی

دستیابی فرزندانِ صاحبان قدرت به مناصب سیاسی از جانب صاحبان قدرت حمایت و تأیید می‌شود و در ظاهر به جوان‌گرایی تعبیر می‌شود و ابقای مکرر پیرترها در مقام‌های سیاسی به شکل ساختاری ادامه پیدا می‌کند. پس از انقلاب اسلامی سیاست‌مداران جوان بسیاری بر سر کار آمدند؛ چون رجال قدیمی منفور و از کار برکنار شده بودند؛ اما تفاوتی که دوران پس از انقلاب اسلامی با دوران پس از مشروطه دارد، این است که رجال قدیمی به صحنه سیاست بازنگشتند و همان جوانانی که بعد از انقلاب مقام‌های سیاسی را بر عهده گرفتند، به شکل مرتب در مقام‌های مختلف ابقا شدند تا امروز که جوانان انقلابی به مردان ۷۰ و ۸۰ساله در میدان سیاسی تبدیل شده‌اند که ابقای آنها در مقام‌های مختلف تا زمان پایان حیات ادامه دارد و نیروهای جوان‌تر یا از وارثان خونی این صاحبانِ قدرت هستند یا بیش از اینکه برآمده از برنامه‌های جوان‌گرایی دولت‌ها باشند، برآمده از موقعیت‌شان در جامعه هستند و نقش پروپاگاندا را برای دولت‌ها و احزاب دارند. در واقع این ساختار به طور جدی به چالش کشیده نمی‌شود، کشمکش‌های بین دو گروه سیاست‌مدارانِ جوان‌تر و پیرتر فریبنده است؛ این کشمکش‌ها حتی در شدیدترین شکل آنها به بازتولید مداوم میدان کمک می‌کند و هر دو گروه منفعتی قطعی در این میدان دارند؛ گویا همچنان بر همین عهد هستیم که «در ایران وزارت، منصب و لقب در وقت تولد از شکم مادر با مولود می‌آید و با شیر اندرون می‌شود و لذا تمام این حالات که شامل هرکدام هست اصلا و مطلقا تغییرپذیر نیست».[۱۵]

۱- محمد مصدق در ۱۲سالگی لقب «مصدق‌السلطنه» و شغل مستوفی دریافت کرد. مستوفی، حساب درآمدها و هزینه‌ها را نگه می‌داشته است، درواقع مستوفی قاجار مسئول جمع‌آوری مالیات‌ها بود.

۲- مصدق، ۱۳۷۹، خاطرات و تألمات مصدق، ص ۵۴

۳- اتحادیه، ۱۳۷۵، مجلس و انتخابات، از مشروطه تا پایان قاجاریه، ص ۱۹

۴- شجیعی، ۱۳۴۴، نمایندگان مجلس شورای ملّی در بیست‌ویک دوره قانون‌گذاری (مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی)

۵- اتحادیه، ۱۳۷۵، مجلس و انتخابات، از مشروطه تا پایان قاجاریه، ص ۲۰

۶- اتحادیه، ۱۳۷۵، مجلس و انتخابات، از مشروطه تا پایان قاجاریه، ص ۱۷

۷- مصدق، ۱۳۷۹، خاطرات و تألمات مصدق، صص ۵۸-۶۱

۸- عاقلی، ۱۳۷۷، تیمورتاش در صحنه سیاست ایران، صص ۳۲-۳۰

۹- روزولت، ۱۳۹۴، کودتا، خاطرات کرومیت روزولت از کودتای بیست‌وهشت مرداد، ص ۱۰۵

۱۰- باستانی‌پاریزی، ۱۳۸۵، هواخوری در باغ، صص ۳۹۰ - ۳۹۱

۱۱- ناظم، ۱۳۸۸، سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، ص ۸۹

۱۲- بهار، ۱۳۷۱، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران انقراض قاجاریه، ص الف

۱۳- نجمی، ۱۳۷۰، از سیدضیا تا بازرگان، ص ۷ - ۸

۱۴- باستانی‌پاریزی، ۱۳۸۵، هواخوری در باغ، صص ۳۸۳ - ۳۸۴

۱۵- منصوره اتحادیه به نقل از محمدمهدی شریف‌کاشانی یکی از روحانیون زمان مشروطه، ۱۳۷۵، ص ۲۱

آینه

هر امتیاز انحصاری که به یک فرد داده شود، فساد است

● **هاشمی‌طبا:** همه دولت‌ها می‌گویند ما می‌توانیم این کارها [وعده‌ها] را انجام دهیم درحالی‌که نمی‌توانند انجام دهند. همه دولت‌ها به معلمین یا کارمندان که می‌رسند، می‌گویند ما معیشتتان را درست می‌کنیم و هیچ‌کدام هم درست نمی‌کنند چون از اول می‌دانند که نمی‌توانند این کار را انجام دهند. همه دولت‌ها و کاندیداها به مشکلات درونی مملکت آشنا هستند اما حقیقت را به مردم نمی‌گویند و این را مشخص نمی‌کنند که چه کارهایی را می‌توانند انجام دهند و کدام کارها را نمی‌توانند. من الان می‌گویم نیاز جامعه حل مسئله آب در کشور است. مثلا فرهنگی‌ها می‌گویند حقوق ما کم است اما این نیاز جامعه نیست؛ نیاز جامعه آن‌چیزی است که عدم اجرای آن در درجه اول کشور را با تهدید روبه‌رو می‌کند... . باید به اولویت‌ها بپردازیم. هیچ نوع حرکت درستی برای آینده کشور از طرف دولت نمی‌تواند صورت بگیرد چون همه اعتبارات به اعتبارات جاری تخصیص داده می‌شود و دولت کاملا از نظر مالی ناتوان است. پس اصلا اینکه وزیر قوی فلان کار را کند، چنین چیزی امکان ندارد و این کسانی که هستند، در حد امکانات دولت می‌توانند کارهایی انجام دهند که البته بسیار ناکافی است.

اصلاحات کاریکاتوری در جهت تثبیت دیکتاتوری!

● آنچه در عربستان در حال روی‌دادن است، نوعی شبه‌مدرنیسم فرمایشی است. شبیه آنچه در زمان حکومت خاندان پهلوی در ایران روی می‌داد. کازینو، شهر نو، مشروب‌فروشی، کاباره، کلوب‌های شبانه، آزادی پوشش زنان و... همه در ذهن شاه ایران نشانه این بود که ایرانیان در زمینه آزادی، آنچه اروپاییان دارند را دارا هستند اما نکته مهم این بود که همه اینها ظاهری غرب‌پسند بود برای یک جامعه استبدادزده که از اولویت آزادی و عدالت بی‌بهره بود. آنچه در عربستان در این روزها در حال اتفاق افتادن است، ناشی از آن چیزی است که جبرهای بیرونی بر عربستان در سودای قدرت بیشتر منطقه‌ای، تحمیل می‌کنند... . رفتار امروز حاکمیت سعودی بیش از همه یک تناقض مضحک است؛ چنانکه همه این چند حرکت به اصطلاح آزادی‌بخش قرار است منتهی به تقویت و مطلقه‌شدن دیکتاتوری و حکومت استبدادی باشد.

شروع دوران تازه یا برخوردی معمولی؟

● دوران تازه‌ای آغاز شده یا همه‌چیز اتفاقی به هم پیوند می‌خورد؟ احکام حبس و ممنوعیت از فعالیت حزبی برای هفت چهره شاخص اصلاح‌طلب، اعمال محدودیت‌های تازه برای رئیس دولت اصلاحات و کش‌وقوس‌های پسینی آن و حالا بازداشت برادر معاون اول رئیس‌جمهور، اگر هم به‌صورت اتفاقی کنار هم جمع شده باشد، باز هم پرسش‌هایی را به ذهن متبادر می‌کند... تیرماه سال ۹۰ بود که محمود احمدی‌نژاد دستگیری چند نفر از نیروهای مشایی توسط قوه قضائیه را «اقدامی سیاسی» دانست و گفت که «اگر این روند ادامه یابد، مسائل را با مردم در میان گذاشته و به وظیفه قانونی خود عمل می‌کنم». او این را هم گفته بود که: «کابینه، خط قرمزش است و نخواهد گذاشت به کابینه «دست‌اندازی» شود». حال در این دولت آنگونه که شاهد هستیم نه‌تنها خط قرمزی برای مسئولان رده‌بالا وجود ندارد بلکه آنان از برخورد قانونی دستگاه قضا حمایت هم می‌کنند. حال پس از واکنش حسن روحانی در قبال بازداشت برادرش حسین فریدون، نوبت به اسحاق جهانگیری می‌رسد تا نشان دهد تا کجا از مبارزه با فساد که اتفاقا خود نیز رئیس ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی است، دفاع می‌کند.

مذاکره مجدد درباره برجام؛ تله ۳ جانبه آمریکا، اروپا و آژانس

● آمریکا -کاخ سفید و کنگره- با همراهی اروپا و آژانس در پی زمینه‌چینی برای مذاکره مجدد و تحمیل برجام‌های جدید موشکی، منطقه‌ای و دائمی‌کردن برجام هستند. «تد کروز»، سناتور جمهوری‌خواه در مصاحبه با «واشنگتن فری بیکن»: رئیس‌جمهور آمریکا هیچ گزینه‌ای جز عدم تأیید پایبندی ایران به برجام ندارد و می‌بایست به کنگره اجازه دهد تا اقدامات تنبیهی سختی علیه تهران به کار گیرد تا از این طریق پایه و اساس ازبین‌رفتن کامل برجام یا مذاکره مجدد با ایران فراهم آید. «تام کاتن»، سناتور آمریکایی، گفت: اقدام احتمالی ترامپ برای عدم تأیید پایبندی ایران به برجام، آمریکا را فورا از برجام خارج نمی‌کند و واشنگتن، با چنین اقدامی هیچ‌یک از مفاد توافق هسته‌ای را نقض نکرده است. به گزارش فارس، کاتن در بخش دیگری از اظهاراتش تصریح کرد که باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، توافق هسته‌ای با ایران را با چشم‌اندازی برای تغییر حکومت ایران پی‌ریزی کرده است... . درست است که ترامپ یک دیوانه است، اما آن‌قدر هم دیوانه نیست که برجام را پاره کند. او نه‌تنها از برجام متنفر نیست بلکه هم برجام را می‌خواهد و هم تحریم‌ها را.

politics@sharghdaily.ir

آینه دیروز

کیهان

● احمدی‌نژاد: مقاومت ملت‌ها باقی‌مانده سیطره استکباری را محو خواهد کرد
● متکی، وزیر امور خارجه، در گفت‌وگو با الجزیره: رژیم صهیونیستی در حد این حرف‌ها نیست
● سیدرضا کسایی‌زاده، معاون وزیر نفت: گاز طبیعی ترکمنستان را با قیمت شناور وارد می‌کنیم
● بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی: قفل بانک مرکزی هنوز نشکسته است
● جلیلی، دبیر شورای‌عالی امنیت در دیدار با وزیر خارجه ونزوئلا: با افول آمریکا قدرت‌های جدید منطقه‌ای ظهور می‌کنند
● سعیدی، معاون بین‌الملل سازمان انرژی اتمی: تناقض مواضع هسته‌ای آمریکا به بحران‌های بین‌المللی منجر خواهد شد
● سلطانیه، نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: بررسی توقف غنی‌سازی توسط ایران دروغ‌بافی برخی رسانه‌های خارجی است

اعتماد

● مقام معظم رهبری: معنای وحدت یکسان‌شدن نگاه‌ها و سلیقه‌ها نیست
● اعتراف بزرگ وزیر کشور؛ علی کردان جعلی‌بودن مدرکش را هم‌زمان با گزارش مجلس پذیرفت
● ظرفیت دانشگاه‌ها افزایش پیدا نمی‌کند؛ اختلاف وزارت علوم با طرح مجلس برای افزایش پذیرش دانشجو
● احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان: خداوند آمریکا را مجازات اقتصادی کرده است
● آل‌اسحاق، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران: آژیر کمبود نقدینگی بنگاه‌های تولیدی به صدا درآمده است
● کروبی، دبیر کل حزب اعتماد ملی: مهم‌ترین دغدغه من صیانت از آرا است

ایران

● مقام معظم رهبری: جریان‌ها منافع ملی را بر منافع گروهی ترجیح دهند
● احمدی‌نژاد: طرح تحول اقتصادی موجب توسعه متوازن می‌شود
● متکی، وزیر خارجه در دیدار با دبیر کل سازمان ملل متحد: قطع‌نامه اخیر شورای امنیت درخصوص برنامه هسته‌ای ایران «نمایشی» است
● سلطانیه، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: هیچ تضمینی مورد اعتماد ما نیست
● کردان، وزیر کشور: تضارب آرا موجب تحرک و پویایی جامعه است
● سعیدلو، معاون اجرائی احمدی‌نژاد: ایران حامی ایجاد یک نهاد منطقه‌ای درباره همکاری‌های مشترک است

آفتاب

● مقام معظم رهبری: دنیای اسلام عزت و شکوه اسلامی را خواهد دید
● علی لاریجانی، رئیس مجلس: مرجعیت باید در بسیاری موارد، موضع خود را با قدرت اعلام کند
● جنتی، دبیر شورای نگهبان: سفرای ایران نباید بترسند و از خود ضعف نشان دهند
● فلاحت‌پیشه، عضو کمیسیون امنیت ملی، هشدار داد: بازی سیاسی روس‌ها با پرونده هسته‌ای ایران
● توکلی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس: حملات آمریکایی‌ها به پاکستان منافع ایران را نیز به خطر می‌اندازد
● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: در احکام اسلامی مبانی حقوق بشر اسلامی وجود دارد
● مهدی کروبی، دبیر کل حزب اعتماد ملی: ممکن است اصولگرایان با یک کاندیدای گمنام بیایند

جمهوری اسلامی

● مقام معظم رهبری: سلیقه‌های گوناگون اجازه ندهند خودخواهی‌ها وارد عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شود
● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تأکید کرد: بررسی حقوق بشر در حوزه و دانشگاه
● قالیباف، شهردار تهران: حتی یک متر از فضای برج «میلاد» را نفروخته‌ایم
● جنتی، دبیر شورای نگهبان: ایجاد بحران اقتصادی و تخریب مقامات از سیاست‌های دشمن است
● فتاح، وزیر نیرو: شبکه آب‌رسانی کشور از سالم‌ترین شبکه‌های آب‌رسانی دنیاست
● حسن ونایی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس خبر داد: تخلفات دولت از قانون بودجه و برداشت از حساب ذخیره ارزی
● فولادگر، عضو کمیسیون صنایع مجلس: فقدان استراتژی صنعت خودرو، قطعه‌سازان را با مشکل مواجه کرد

اطلاعات

● مقام معظم رهبری: دشمنان با عناوینی همچون عرب، عجم، شیعه و سنی سعی می‌کنند با دروغ و فریب در برابر حرکت عظیم بیداری اسلامی ایجاد تفرقه کنند
● احمدی‌نژاد: بدون تردید آینده متعلق به مستضعفان، صالحان و مظلومان است
● متکی، وزیر خارجه: آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران دروغ می‌گوید